

بیانات در دیدار دست‌اندرکاران برگزاری کنگره ۱۵ هزار شهید استان فارس - 2 / آبان / 1403

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الطيّبين الطاهرين المعصومين سيّما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهان عزیز. خیلی متشکریم از این بیانات کوتاه و موجز آقای امام جمعه‌ی محترم و این نوشته‌ی بسیار زیبا و کامل این سردار محترم.

یکی از امتیازات تمدنی کشور عزیز ما که همیشه باید مورد توجه قرار بگیرد، این است که توانسته دین را و حماسه را و هنر را با هم تلفیق کند. در بسیاری از نقاط دنیا، دین راه خودش را جدا می‌رود - اگر باشد - هنر کار خودش را میکند، حماسه هم آنجایی که وجود داشته باشد، برای خودش است. تلفیق این سه عنصر در ایران اسلامی یک پدیده‌ی جذاب و جالبی است که مال امروز و دیروز هم نیست، از اصل اسلام گرفته شده. خود قرآن، هم «و الذین آمنوا اشدّ حُبّاً لله» (۲) دارد، «يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ» (۳) دارد، هم «فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (۴) تا آخر دارد؛ الذین آمنوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الذّٰلِیْنَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ، (۵) هم «اشِدّاءُ على الكفّار» (۶) دارد، هم «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (۷) دارد؛ یعنی خود قرآن تلفیقی است از دین و آئین الهی، و حماسه‌های بزرگ، و هنر؛ خود قرآن یک اثر هنری است، یک اثر بسیار والا است، علاوه بر اینکه در قرآن به محبت و عشق و مانند اینها هم اشاره شده و برای مخاطبان تصویر شده. این در تاریخ ما وجود دارد.

اگر حمل بر مبالغه نشود، من عرض میکنم شاید بهترین نقطه‌ای از کشور ما که این سه عنصر تلفیق شده و ترکیب شده در آن بوضوح مشاهده میشود، فارس و شیراز است؛ حقاً و انصافاً حرف درستی صادر شده، اگر این را کسی بگوید یا ما بگوییم. شیراز جایی است که این سه عنصر، درهم‌تنیده خودشان را نشان میدهند. از دوران جناب احمدبن موسی (سلام الله علیه) و بقیه‌ی امامزاده‌های شهیدی که در آن استان و در آن شهر هستند، تا دورانهای بعد، تا امروز و تا این شهیده کرباسی (۸) که چند روز قبل از این به شهادت رسید، این سه عنصر در همه‌ی این دوران با همدیگر همراهند و شریکند.

معروف‌ترین و محبوب‌ترین شاعر کشور، یعنی حافظ شیرازی، حافظ قرآن است که «قرآن ز بر بخواند با چارده روایت». (۹) این شاعر غزلسرای شیرین‌سخن و رند، قرآن را با چهارده روایت، با چهارده اختلاف قرائت حفظ بوده. در این اختلاف قرائت‌هایی که میخوانند، ما کمتر قاری‌ای دیده‌ایم که مسلط باشد به قرائت هفت قاری معروف تاریخ که هر کدام دو راوی دارند که میشود چهارده روایت. بعد هم میگوید: «هر چه دارم همه از دولت قرآن دارم»؛ (۱۰) یعنی شعرش هم مال قرآن است، هنرش هم مال قرآن است، معرفتش هم مال قرآن است، عرفانش هم مال قرآن است، رندی‌اش هم مال قرآن است؛ همه چیز را از قرآن دارد. تلفیق از این زیباتر که دین و هنر این جور با هم مخلوط بشوند و تلفیق بشوند؟ همچنین در کنار اینها حماسه است. از خود جناب احمدبن موسی شما بگیرید تا عباس دوران (۱۱) تا شهدای نام‌آور، [مثل] شهید مرتضی جاویدی، شهید شیرعلی سلطانی و حالا [هم] همین خانم معصومه کرباسی و بقیه‌ی شهدای بزرگ استان که بعضی از آنها را سردار عزیزمان (۱۲) اسم آوردند، و پانزده هزار شهید، پانزده هزار الگو، پانزده هزار نمونه از شهدا در میدانهای مختلف.

اولین جنگ مسلحانه‌ی با استعمار اروپایی را امامقلی‌خان، حاکم فارس انجام داده که توانست پرتغالی‌ها را از هرمز

بیرون کند. اولین جنگ نرم را در تاریخ کشورمان میرزای شیرازی انجام داده؛ تحریم تنباکو جنگ نرم بود؛ بزرگ‌ترین جنگ، آن هم این‌جور جنگی که توانست بساط تسلط اقتصادی انگلیس بر کشور را جمع کند. گاندی هم در هند این کار را کرد، [اما] سی سال بعد از میرزای شیرازی؛ یعنی ابتکار این جنگ نرم بی‌نظیر، مال میرزای شیرازی است. قوی‌ترین مقاومت عراقی‌ها در مقابل تسلط دولت انگلیس بر عراق را میرزا محمدتقی شیرازی فرماندهی کرد. اولین سکه‌ی حکومت اسلامی را مرحوم سیدعبدالحسین لاری در شیراز و در جهرم و لار ضرب کرد؛ سکه زد، حکومت اسلامی را تشکیل داد. البته پایدار نماند و ایشان نتوانست ادامه بدهد، اما اقدام کرد، شروع کرد. اینها افتخارات بزرگی است. اگر به زمان خود ما برگردیم، عالم عارف سالکی مثل شهید دستغیب را مشاهده میکنیم که واقعا شهید دستغیب، هم مظهر معنویت و روحانیت بود، هم مظهر اخلاق بود، هم مظهر جهاد بود. سال ۴۱ و ۴۲ که این مبارزه تازه شروع شده بود و ماها قم بودیم، آن روز نوارهای مرحوم دستغیب را از شیراز می‌آوردند قم و ما می‌شنفتیم. مرحوم حاج شیخ بهاءالدین محلاتی و بقیه‌ی علمای شیراز جلسه تشکیل داده بودند و سخنگوی این مجموعه مرحوم دستغیب بود که به نظرم ظاهراً در مسجد جامع شیراز اجتماع میکردند و سخنرانی میکرد و مانند اینها. و این ادامه داشت تا وقتی که شهید شد. یعنی همه‌جور شهیدی [دارد]؛ در همه‌ی میدانها شهدایی از این سرزمین، از این منطقه خودشان را نشان دادند و برجسته کردند؛ اینها شناسنامه‌ی شیراز است، شناسنامه‌ی فارس است.

غلط کردند آن کسانی که خیال کردند میتوانند با چیزی مثل جشن سخیف هنر شیراز، شیراز را از حرم اهل بیت بودن و مرکز دین و ایمان بودن برگردانند به یک نقطه‌ی فسادگاه؛ اشتباه کردند؛ به معنای واقعی کلمه غلط کردند! مثلاً بزرگ شیراز یعنی مّلاصدرا (رضوان الله علیه) که به نظر ما جزو چهره‌های برجسته‌ی فلسفه‌ی دنیا است، در معدود شعرهایی که از ایشان باقی مانده، این بیت [را گفته]:

در معرکه‌ی دو کون، فتح از عشق است

هر چند سپاه او شهیدند همه (۱۳)

این مال یک مثلاً فیلسوف است. یعنی این روحیه، این ترکیب زیبای دین و هنر و حماسه همین‌طور ادامه دارد. مرحوم دستغیب هم اهل معرفت و اهل شعر و اهل معنا و این چیزها بود؛ ما از نزدیک اینها را میدانستیم. و دیگران هم همین‌جور؛ اینها خیلی مهم است.

کنگره‌ی شما این را باید نشان بدهد به کشور، این را باید ماندگار کند در کشور؛ باید نشان بدهید که برای یک ملت متمدّن، دارای معرفت، پیشرو، آنچه مهم است، این است که دین‌دار باشد و حماسه‌ساز باشد و هنرمند باشد؛ این سه با هم. هنر در خدمت دین، دین همراه با حماسه، حماسه در جهت پیشرفت ملت؛ اینها است که مهم است. از کنگره‌ی شما این باید دربیاید، این باید نشان داده بشود. حالا شما این را با کتاب تأمین میکنید، با شعر تأمین میکنید، با سرود یا مثلاً نمایش تأمین میکنید، بالاخره این باید از آب دربیاید؛ باید این را نشان بدهید؛ این، آن چیزی است که ملت ما به آن احتیاج دارد. امروز هم مثل همان زمان آن غلط‌کرده‌های دوران پهلوی، هستند کسانی که میخواهند هنر را از معنویت جدا کنند، هنر را از حماسه جدا کنند، اینها را در جهت‌های گاهی متناقض یکدیگر پیش ببرند؛ امروز هم کسانی از تفاله‌ها و پسمانده‌های آن تشکیلات هستند در میان کشور عزیز ما و این چهاردیواری باارزش ما. باید این [سه جهت] را تأمین کنید.

یکی از توصیه‌های مؤکد من که اینجا یادداشت کرده‌ام این است: تأثیر کنگره را رصد کنید. چون شما میخواهید اثر بگذارید دیگر؛ خیلی خوب، رصد کنید ببینید مثلاً در رأس یک سال، این کنگره‌ای که شما باید این همه زحمت و تلاش به وجود آورید، روی افکار عمومی، روی رفتار جوانان شما چه تأثیری گذاشته؛ چه تعداد از جوانهای شما تدریثشان، مسجد رفتنشان، مجاهدت فکری‌شان، فکر کردنشان، کتاب خواندنشان، در جهت درست نگاه کردن و حرکت کردنشان پیشرفت کرده؛ این را رصد کنید. راهش را پیدا کنید؛ میتوانید؛ البته کار آسانی نیست. این رصد کردن‌ها به معنای

جاسوسی و مچ‌گیری و مانند این حرفها تلقی نباید بشود؛ به آن جهتها و به آن راهها نباید برود؛ باید نگاه درست و تشخیص درست حاکم باشد.

میل به خدمت از آثار این کنگره است. باید ببینید میل به خدمت چقدر در جوان پیدا شده؛ خدمت فکری، خدمت جهادی، حضور در عرصه‌های خدمت: اردوهای جهادی، بسیج سازندگی، کاروانهایی که به مراکز جنگی میروند و آثار تلاشهای سرداران عزیز ما را و مبارزان و بسیجیان دوران دفاع مقدس را می‌بینند؛ [ببینید] میل به اینها چقدر پیشرفت کرده. اگر دیدید پیشرفتی حاصل نشده، برگردید به کار خودتان و ببینید که مشکل کجا است؛ چرا نتوانسته اثر بگذارد؟ اگر دیدید پیشرفتی حاصل شده، نگاه کنید ببینید آن عامل پیشرفت چیست؛ آن را تقویت کنید. آن چیزی که توانسته این جوان را به پیش براند و حرکت بدهد چیست؟

جوانهای ما امروز احتیاج دارند به شناخت گذشته‌ی پرافتخار کشور، بخصوص گذشته‌ی همین چند ده سال مربوط به انقلاب. ما در روایتها ضعیفیم؛ مثلاً آیا جوانهای ما ابعاد قضیه‌ی تصرف لانه‌ی جاسوسی را درست می‌شناسند و میدانند؟ [آیا] درست قضیه‌ی شروع جنگ هشت‌ساله را میدانند؟ اگر کسی به ذهنش بیاید که خب چرا هشت سال جنگ کردیم که این همه جوان از دست بروند، جوابش را بلدند؟ میدانند چه اتفاقی افتاد که این جوری شد؟ اینها باید روایت بشود؛ روایت درست باید بشود. البته خوشبختانه من میبینم کارهای خوبی دارد انجام میگیرد؛ بعضی از کتابها، بعضی از نوشته‌ها، بعضی از کارها را تا جایی که فرصت هست، من مشاهده میکنم. خب، این راجع به این مسائل.

ما امروز در گیرودار یک مسئله‌ی اساسی و مهم در منطقه هستیم؛ همین مسائل مربوط به منطقه‌ی غرب آسیا، مسائل لبنان، مسائل غزه، مسائل کرانه‌ی باختری، اینها قضایای تاریخ‌ساز است؛ هر کدام از این حوادث میتواند منشأ یک جریان و یک حرکت تاریخی به یک سمتی بشود. اگر امثال شهید سنوار (۱۴) پیدا نمیشدند که تا لحظه‌ی آخر بجنگند، سرنوشت منطقه یک جور بود، حالا که پیدا شدند، یک جور دیگر است؛ اگر بزرگانی مثل شهید سیدحسین نصرالله پیدا نمیشدند که جهاد و عقل و شجاعت و فداکاری و از خودگذشتگی را با هم مخلوط کنند و به میدان بیاورند، حرکت یک جور بود، حالا که پیدا شدند، حرکت یک جور دیگر است؛ اینها خیلی مهم است.

در این چیزی که تا امروز واقع شده، یک شکست بزرگی به وجود آمده؛ نه فقط برای رژیم صهیونیستی، بلکه برای تمدن غرب، برای فرهنگ غرب، برای ادعاهای غرب؛ اینها یک شکست بزرگی خوردند. رژیم صهیونیستی شکست خورد، به خاطر اینکه فکر میکرد میتواند به آسانی گروه‌های مبارز را، مقاومت را منحل کند، نابود کند، امروز میبیند که پنجاه و چند هزار انسان بی‌دفاع و غیر نظامی را به شهادت رسانده، چند نفر از سران برجسته‌ی مقاومت را به شهادت رسانده اما در جبهه‌ی مقاومت آب از آب تکان نخورده؛ جبهه‌ی مقاومت با همان قدرت، با همان عزم امروز دارد مبارزه میکند. این شکست نیست؟ این بزرگ‌ترین شکست است دیگر. این همه خرج کردند، این همه تلاش کردند، آمریکا با همه‌ی توانش به کمکشان آمد، خیلی از اروپایی‌ها همین جور، این همه هم جنایت کردند، این همه چهره‌شان در دنیا سیاه و زشت و منفور شد که حتی در خیابانهای آمریکا علیه اینها راه‌پیمایی کردند، در دانشگاه‌های آمریکا علیه اینها راه‌پیمایی کردند، در عین حال گروه‌های مقاومت همچنان هستند؛ حماس هست، جهاد هست، حزب الله هست، مردم و جوانهای مبارز کرانه‌ی باختری هستند، بقیه‌ی جاهای دیگر هم که مشغول مبارزه‌اند که هستند. این شکست بزرگی است؛ این بزرگ‌ترین شکست است.

اما فقط این نیست؛ از این شکست بزرگ‌تر، شکست «فرهنگ غرب» است؛ غربی‌ها نشان دادند که در این چندین سال یا چند قرن، که دم از حقوق انسان و حقوق بشر و مانند اینها میزنند، یکسره دروغ گفتند؛ [این جنگ] این را

نشان داد، این را ثابت کرد؛ یعنی ده هزار کودک کشته شدند، شوخی است؟ کودک، مظهر معصومیت است، مظهر لطافت است، نقطه‌ی اساسی‌ای است که عواطف انسان را برمی‌انگیزد؛ ده هزار [نفر] از این موجودات معصوم را اسرائیل با بمب دو تنی، با انواع و اقسام سلاح از بین برد، غربی‌ها خم به ابرو نیاوردند. سیاستمداران غربی رسوا شدند، سیاست غرب رسوا شد، شکست خوردند؛ این شکست بزرگی است. دیگر کسی از «تمدن غرب» حرف نزند! تمدن غرب این است. این تمدن غرب است که برایش اهمیت ندارد که پول را از مردم خودش با انواع و اقسام [راه‌ها] بگیرد و بفرستد برای اینکه بچه‌های کوچک و فرزندان معصوم کشته بشوند، خانواده‌ها نابود بشوند، ده هزار بچه شهید بشوند، چندین هزار بچه یتیم بشوند؛ این فرهنگ غرب است. دیگر حالا اگر کسی راجع به فرهنگ غرب اعتراض کرد، بی‌اعتباری آن را تصریح کرد، کسی نباید ملامتش بکند که آقا، شما [این جور نگویند]؛ نه، فرهنگ غرب این است، تمدن غرب این است، محصول این است. این بزرگ‌ترین شکستی است که برای غرب پیش آمد.

پشت رژیم صهیونیستی را یک جبهه‌ی شرارت پُر کرده؛ یک جبهه‌ی شرارت به پشتیبانی از رژیم صهیونیستی صف‌آرایی کرده، آن وقت جبهه‌ی مقاومت، در مقابل آن جبهه‌ی شرارت است. این جبهه‌ی مقاومت در مقابل آن جبهه‌ی شرارت ایستاده، و به توفیق الهی پیروزی هم مال جبهه‌ی مقاومت است.

والسلام علیکم ورحمة الله

- ۱) در ابتدای این دیدار، حجت‌الاسلام والمسلمین لطف‌الله دژکام (امام جمعه‌ی شیراز و رئیس شورای سیاست‌گذاری کنگره) و سرتیپ یدالله بوعلی (فرمانده سپاه فجر استان فارس و دبیرکل کنگره) مطالبی بیان کردند.
- ۲) سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۶۵؛ «... ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند. ...»
- ۳) سوره‌ی مائده، بخشی از آیه‌ی ۵۴؛ «... آنان را دوست میدارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. ...»
- ۴) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۷۴؛ «پس، باید در راه خدا بجنگند ...»
- ۵) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۷۶؛ «کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا کارزار میکنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند ...»
- ۶) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «... بر کافران، سختگیرند ...»
- ۷) سوره‌ی فتح، بخشی از آیه‌ی ۲۹؛ «... با همدیگر مهربانند ...»
- ۸) خانم معصومه کرباسی و همسرش آقای رضا عواضه (اهل لبنان)، بیست‌وهشتم مهرماه در حمله‌ی پهبادی و شلیک موشک به خودروی آنها توسط رژیم صهیونیستی در لبنان به شهادت رسیدند.
- ۹) اشاره به غزل حافظ: «عشقت رسد به فریاد، ار خود به سان حافظ / قرآن ز بر بخوانی در چارده روایت»
- ۱۰) حافظ. غزلیات؛ «صبح‌خیزی و سلامت طلبی چون حافظ / هرچه کردم همه از دولت قرآن کردم»
- ۱۱) شهید عباس دوران (از خلبانان نیروی هوایی ارتش) که در مأموریت حمله به بغداد به شهادت رسید.
- ۱۲) فرمانده سپاه فجر استان فارس
- ۱۳) رضاقلی خان هدایت، تذکره‌ی ریاض‌العارفین، روضه‌ی دوم در ذکر فضلا و محققین حکما، بخش ۵۶، صدر شیرازی
- ۱۴) شهید یحیی سنوار (رئیس دفتر سیاسی حماس) در بیست‌وششم مهر ۱۴۰۳ به دست سربازان رژیم صهیونیستی در غزه به شهادت رسید.